



مقایسه حقوقی قرارداد ليسانس و فرانچايز

پديدآورنده (ها) : شهني منصورى، نيروفرف، رييسى نافچى، عليرضا؛ جمالى ارمندى، حسين

حقوق :: نشریه مطالعات حقوق :: زمستان ۱۳۹۸، دوره جديد - شماره ۳

صفحات : از ۹۷ تا ۱۱۶

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1601274>

تاريخ دانلود : ۱۴۰۴/۰۸/۰۸

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- مقایسه حقوقی قرارداد ليسانس و فرانچايز
- قرار داد بين المللی ليسانس تکنولوژی (ورقه ی اختراع، علایم تجاری و دانش فنی)
- ماهیت و ویژگی های قرارداد ليسانس و قابلیت انطباق آن با عقود معین در قانون مدنی ایران
- ماهیت و اوصاف قرارداد فرانچايز در حقوق ایران
- روند متحد الشكل سازی حقوق قراردادهای در سطح بین المللی
- تعهدات و الزامات طرفین در قرارداد انتقال فناوری و تطبیق آن با حقوق ایران، کامن لا و برخی نظامهای حقوقی دیگر
- مفهوم سرمایه‌گذاری در روبه داوری مرکز حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری خارجی (ایکسید)
- مطالعه تطبیقی قابلیت اجرای شروط کیفری در قراردادهای؛ لزوم تجدید نظر در ماده ۲۳۰ قانون مدنی ایران
- انطباق مادی کالا با قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا مصوب ۱۹۸۰ و حقوق ایران
- جایگاه اصل حسن نیت در حقوق ایران
- اعتبار ذاتی سیره عقلا
- تهاوتر در فقه امامیه، حقوق ایران و تجارت بین الملل

عناوین مشابه

- مقایسه حقوقی قرارداد ليسانس و فرانچايز
- بررسی و مقایسه قرارداد گشایش اعتبار اسنادی با برخی نهادهای حقوقی
- بررسی آثار حقوقی ناشی از قرارداد داوری در مرحله اجرا و مقایسه آن با شرط داوری در حقوق ایران
- شرایط تشکیل عقد نکاح: قرارداد نامزدی مقایسه بین فقه اسلامی و حقوق ایران و حقوق فرانسه
- امور حقوقی و داوری اتاق: رنج های مردمی که داور خود را در قرارداد تعیین نکرد
- مقایسه نظام حقوقی و اخلاقی زن در اسلام
- مقایسه اعاده دادرسی از نظر حقوقی و جزائی
- ابعاد حقوقی بیمه حمل و نقل دریایی کالا و مقایسه تطبیقی با حقوق انگلستان (۱)
- بحث در موضوعات حقوقی: تجزیه قضائی مسئولیت مدنی ناشیه از بزه در حقوق مقایسه (۲) موارد بخصوص
- مسئولیت مدنی ناشیه از بزه در حقوق فرانسه و مقایسه آن با حقوق آلمان و غیره
- بررسی قرارداد مشارکت در تولید و مقایسه کارایی آن با بیع متقابل

فصلنامه مطالعات حقوق

Journal of Legal Studies

دوره جدید. شماره ۳. زمستان ۱۳۹۸، صص ۹۷-۱۱۶ Vol 5. No 3. 2020, p 97-116

ISSN: (2538-6395)

شماره شاپا (۶۳۹۵-۲۵۳۸)

مقایسه حقوقی قرارداد ليسانس و فرانچايز

نيلوفر شهني منصورى^۱. عليرضا رييسى نافچي^۲. حسين جمالى ارمنى^۳

۱. وکیل پایه یک دادگستری

۲. وکیل پایه یک دادگستری

۳. مدرس دانشگاه

چکیده

فرانچایز عقدی است که در ضمن آن یک طرف، در مقابل پرداخت حق الامتیاز و تحت شرایط معین، حق ساخت و فروش محصول و همچنین حق استفاده از علامت تجاری یا نام تجاری را به طرف دیگر اعطا می‌کند. افزون بر این امتیازدهنده، خدمات فنی، کمک فنی و دانش فنی در اختیار طرف دیگر می‌نهد و شیوه‌های تجاری خود را به وی می‌آموزد. علی‌رغم اینکه قرارداد فرانچایز متضمن ليسانس علامت تجاری است و نقاط اشتراک فی مابین این دو همچون نحوه‌ی پرداخت رويالتي‌ها (حق‌الزحمه) و عوض‌ها، درج شرط عدم رقابت به منظور تضمین حقوق مالکیت فکری صاحب امتیاز و... وجود دارد اما در قرارداد فرانچایز نظارت امتیازدهنده بر فعالیت‌های امتیازگیرنده و خدمات فنی به او بسیار چشمگیرتر است، و تفاوت‌های بنیادینی بین این دو قرارداد وجود دارد، از جمله نحوه‌ی نظارت و کنترل بر عملیات تجاری، وجود شهرت و موفقیت تجاری، شخصی و غیرقابل انتقال بودن قرارداد و... در این مقاله که با روش تحلیلی-توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام شده، سعی شده است به وجوه افتراق قرارداد فرانچایز و قرارداد ليسانس پرداخته شود.

واژه‌های کلیدی: فرانچایز، ليسانس، قرارداد

مقدمه

در گذشته اقتصاد کشورها تا حدود زیادی خودبسنده بود چرا که نیازهای مردم گسترده نبود و دانش بشری پیشرفت زیادی نکرده بود همچنین گستردگی قلمرو کشورها سبب می‌شد که بسیاری از نیازهای مردم در داخل خاک کشورها تأمین شود. اما هر قدر که زمان می‌گذرد و دانش بشری پیشرفت می‌کند، بشر به انواع تکنولوژی‌های پیچیده‌تری دست می‌یابد که بی‌شک مورد نیاز آحاد افراد جهان می‌باشد. از طرف دیگر، همه کشورها نیز توانایی علمی و فنی دستیابی به این تکنولوژی‌ها را ندارند و همچنین ممکن است ساخت ابزار و ماشین‌آلاتی که از این فناوری‌ها استفاده می‌کنند بسیار پرهزینه‌تر از وارد کردن آن باشد، راه‌حل قانونی که این کشورها برای تأمین نیاز خود به این فناوری‌ها می‌توانند اعمال کنند انتقال تکنولوژی است. تلاش کشورهای در حال توسعه برای دسترسی به روش‌ها و ابزارهای تولیدی جدید و تمایل کشورهای پیشرفته به انتقال صنایع خود به مناطقی که امکانات بیشتر تولید وجود دارد، بحث انتقال تکنولوژی را به یکی از مهمترین مباحث جهان امروز تبدیل کرده است. تجارت تکنولوژی هم از حیث فنی و هم به جهت اقتصادی شایان توجه است اما علاوه بر جهات یاد شده از دیدگاه حقوقی نیز حمایت از تکنولوژی و حقوق مربوط به آن، ابزارهای کنترل‌کننده مبادله و بالاخره شناسایی مکانیزم‌ها و قالب‌های قراردادی انتقال تکنولوژی توأم با فهم دقیق خصائص، شرایط حقوقی این مبادلات تجاری شایسته مطالعه ویژه است. در عرصه بازارهای جهانی تلاش‌های عمده‌ای برای تحصیل تکنولوژی‌های پیشرفته به عمل می‌آید. در این رهگذر، گرچه خرید و واردات ماشین‌آلات و تجهیزات تکنولوژیک خارجی موثر است اما لازم است توجه داشته باشیم که مفهوم تکنولوژی و طرق مبادله آن هم از حیث تجاری و هم از منظر حقوقی، جلوه‌ای نوین یافته است بطوری که انتقال جنبه‌های نرم‌افزاری و حقوقی مالکیت‌های فکری مرتب بر این قسم نوین از دارایی‌های بشری، از مهمترین بخش‌های یک قرارداد انتقال تکنولوژی شناخته می‌شود. در این راستا در این نوشتار برآنیم با بررسی ماهیت دو قرارداد فرانچایز و لایسنس که از مهمترین قراردادهای انتقال فناوری می‌باشند به بیان تفاوت‌های آن پردازیم.

قرارداد فرانچایز

برای واژه فرانچایز در فرهنگ‌های لغت فارسی تاکنون معادل فارسی ارائه نشده است و در محاوره هم از اصطلاح فرانچایز استفاده می‌شود. اما در فرهنگ انگلیسی به فارسی معادل فرانچایز را از جمله "امتیاز" و "حق مخصوص" قرار داده است. (احسنی فروز، ۱۳۹۰، ۸۷، ۸۸) در نهاد حقوقی فرانچایز در فرهنگ انگلیسی آکسفورد، ذیل واژه فرانچایز در حالت اسمی آمده است "اجازه رسمی اعطا شده‌ای است توسط یک شرکت به کسی دیگر که می‌خواهد کالا یا خدمات آن شرکت را در یک قلمرو خاص بفروشد." Oxford (advanced) در یکی از لغت‌نامه‌های تخصصی حقوقی هم در تعریفی که برای حالت اسمی

فرانچیز ارائه شده آمده "فرانچیز اعطا حق انحصاری اشتغال در یک فعالیت تجاری مشخص یا در یک فعالیت تجاری در محدوده‌ای معلوم با استفاده از علامت تجاری مخصوص به دیگری است." (دیکشنری بلک) در مقررات داخلی ایران چه در مقررات ناظر به مالکیت فکری و چه در سایر قوانین، اثری از قرارداد فرانچایز دیده نمی‌شود. در اسناد بین‌المللی، در موافقتنامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری (تریپس)، به عنوان یکی از جامع‌ترین اسناد بین‌المللی در مورد حقوق مالکیت فکری، مطلبی پیرامون فرانچایز نیامده است. در کنوانسیون پاریس که ناظر به مالکیت صنعتی در مفهوم وسیع آن است و به عنوان سندی پایه در این زمینه، موضوعاتی از جمله اختراعات، علائم، طرح‌های صنعتی، مدل‌های اشیای مصرفی، اسامی تجاری، نشانه‌های جغرافیایی و جلوگیری از رقابت غیرمنصفانه را دربرمی‌گیرد، سخنی از این قالب حقوقی به میان نیامده است این رو به منظور دستیابی به تعریف این نهاد، چاره‌ای جز رجوع به فرهنگ‌های حقوقی موجود و قوانین داخلی دیگر کشورها نیست. (محمدی و دیگران، ۱۳۹۲، ۲۴۹-۲۳۱)

بخش ۳ اصول حقوق اروپایی در مورد نمایندگی تجاری، فرانچایز را بدینگونه تعریف کرده است "قراردادی است که به موجب آن یک طرف (امتیازدهنده) به طرف دیگر (امتیازگیرنده) در ازای یک ما به ازاء مادی، حق انجام یک حرفه تجاری را تحت شبکه امتیازدهنده برای اهداف فروش برخی محصولات از سوی امتیازگیرنده و به نام امتیازگیرنده اعطاء می‌کند." و بنابراین امتیازگیرنده حق و تعهد استفاده از نام و علائم تجاری و دیگر حقوق مالکیت فکری، دانش تجربی و روش تجربی متعلق به امتیازدهنده را دارد. (محسن صفری و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۱۹) مجموعه دستورالعمل‌های اتحادیه اروپا که دستورالعمل مجموعه رویه‌های حاکم بر این قرارداد است تعریف دقیق‌تری ارائه می‌دهد. ماده یک این دستورالعمل می‌گوید: "نظام عرضه کالاها، خدمات و فناوری یا هر سه آنها به بازار است که بین دو شخص مستقل حقوقی منعقد شده و به موجب آن مالک دارایی فکری (امتیازدهنده) به گیرنده امتیاز حق استفاده از مجموعه مورد توافق برای تولید می‌دهد و این رابطه یک رابطه مستمر است. این مجموعه بسته محتوی علامت، نام تجاری، دانش فنی، سیستم‌های اجرای تجارت و یا سایر مصادیق مالکیت‌های صنعتی است." همچنین آمده است که، "فرانچایز قراردادی است که در آن یک طرف که امتیازدهنده محسوب می‌شود به طرف دیگر که امتیازگیرنده نام دارد، در مقابل یک حق امتیاز، حق استفاده از علامت تجاری را که معمولاً با دیگر حقوق مالکیت فکری مانند اسرار تجاری، دانش تجربی و... می‌باشد برای فروش یا تولید محصولات، یا ارائه خدمات اعطا می‌کند. (دیز، ۲۰۰۶، ۲۱۰) در راهنمای فرانچایز سازمان جهانی مالکیت فکری (وایپو)، نیز فرانچایز بدین گونه تعریف شده است "قرارداد فرانچایز می‌تواند به عنوان توافقی که به موجب آن یک نفر (امتیازدهنده: شخصی که دارای یک نظام تجاری خاص میباشد) در برابر مابه ازایی اجازه می‌دهد تا شخص دیگری (امتیازگیرنده) از این نظام مطابق با توصیفات امتیازدهنده استفاده نماید.

رابطه بین طرفین یک رابطه مستمر می‌باشد، به خاطر اینکه امتیازگیرنده مطابق با استانداردها و رویه‌های ایجاد شده و بیان شده توسط امتیازدهنده و با معاونت و حمایت مستمر او عمل می‌نماید.» (وایبو، ۱۹۹۴ م.)

انواع قرارداد فرانچایز

دسته‌بندی این قراردادها براساس عملکردشان منجر به تقسیم آن به ۴ دسته مهم می‌شود: قراردادهای تولید یا تهیه کردن، قراردادهای توزیعی، قراردادهای خدماتی و قراردادهای صنعتی. (پاپاکانستو، ۲۰۰۰، ۲۶۷) قراردادهای استفاده از علامت تجاری همچنین می‌توانند براساس امکان ارتباطی که بین امتیازگیرنده و امتیازدهنده می‌تواند وجود داشته باشد و نیز از لحاظ انحصاری بودن یا غیرانحصاری بودن تقسیم شوند.

۱. **قرارداد تولید (Manufacturing Franchise)** در این نوع قرارداد امتیازدهنده مواد اساسی یا دانش فنی لازم را برای تولیدکننده یا سازنده آن محصول فراهم می‌کند و به امتیازگیرنده این اختیار را می‌دهد که آن کالا را تولید کند و آن را با علامت تجاری امتیازدهنده به فروش برساند. در این نوع قراردادها حتی ممکن است به امتیازگیرنده اختیار داده شود که از اطلاعات اسرار تجاری یا حق اختراعی که متعلق به امتیازدهنده می‌باشد استفاده کند (محسن صفری و دیگران، ۱۳۸۹، ۱۵)

۲. **قرارداد خدماتی (Service Franchises)** در این نوع قرارداد امتیازدهنده یک سری خدماتی را که به آنها احتیاج دارد همراه با دستورالعمل‌ها و شرایط آن لیست می‌کند تا امتیازگیرنده آنها را مطابق قرارداد با استفاده از علامت تجاری امتیازدهنده در قبال مشتریان امتیازدهنده ارائه دهد (مشهدیان و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۱۲۲)

۳. **قرارداد توزیعی (Distribution franchis)** در فرانچایز توزیعی امتیاز بازاریابی و فروش محصولات به فرانچایز گیرنده واگذار می‌شود بسیاری از شرکت‌های زنجیره‌ای که در زمینه توزیع کالا شهرت مطلوبی کسب کرده‌اند معمولاً در قالب فرانچایز امتیاز تاسیس واحد تجاری توزیعی را تحت نام و یا علامت تجاری خویش در برابر دریافت حق امتیاز صادر می‌کند (علی زارع و دیگران، دانشنامه ۱۳۹۲، ۲۱)

۴. **قرارداد صنعتی (Industrial Franchis)** در فراچایز صنعتی امتیاز ساخت و تولید یک محصول مشخص همراه با انتقال فناوری به طرف دیگر منتقل می‌شود در این نوع فرانچایز، فرانچایز گیرنده صرف‌نظر از برخورداری از دانش فنی و مساعدت طرف دیگر قرارداد کالا را با علامت یا نام تجاری فرانچایزدهنده به بازار عرضه می‌کند (محمودی، ۱۳۹۲، ۵۲)

ماهیت قرارداد فرانچایز

برخی حقوقدانان قرارداد فرانچایز را با عقد اجاره مقایسه نموده‌اند. اجاره عقدی است که به موجب آن مستاجر، در برابر مالی که به موجر می‌پردازد برای مدت معین مالک منافع عین مستاجر می‌شود. (کاتوزیان ۱۳۸۶، ص ۱۲۳) در خصوص قرارداد فرانچایز اولاً در فرانچایز آنچه مورد معامله قرار می‌گیرد منافع نیست و امتیاز گیرنده فقط اجازه استفاده از محصولات فکری را دارد ثانیاً در قرارداد فرانچایز اساساً امتیازدهنده چیزی به امتیازگیرنده تملیک نمی‌کند. (محمدی و دیگران، ۱۳۹۲، ۲۴۹-۲۳۱) بنابراین نظریه اجاره بودن عقد فرانچایز مورد پذیرش نیست. در مقایسه آن با قرارداد واگذاری حق انتفاع نیز می‌توان عنوان داشت علی‌رغم اینکه قرارداد فرانچایز شباهت زیادی با قرارداد واگذاری حق انتفاع به صورت رقیبی، بدلیل اینکه مالکیت منفعت در هر دو قرارداد واگذار نمی‌شود و تنها اجازه‌ی استفاده از آن است که واگذار می‌گردد و هر دو برای مدت معینی است، دارد اما در حقیقت قرارداد فرانچایز را نمی‌توان قرارداد واگذاری حق انتفاع از علامت تجاری دانست چراکه اولاً در این قرارداد حق استفاده از حقوق دیگری نیز اعطا می‌گردد مانند اسرار تجاری، دانش تجاری و... علاوه شرایط مفصلی درباره وظایف امتیازدهنده و امتیازگیرنده در مدت زمان قرارداد و انقضای قرارداد وجود دارد و ثانیاً در این قرارداد امتیازدهنده بر نحوه اجرای قرارداد از لحاظ کیفیت و... نظارت کامل دارد. همچنین برخی حقوقدانان در مورد ماهیت فرانچایز، آن را با عقد بیع مقایسه نموده و با ارائه مستندات اظهار داشته‌اند که عقد فرانچایز در واقع چیزی جز عقد بیع نیست و عقد فرانچایز تنها یک عقد صوری و ظاهری است که طرفین برای پنهان داشتن عقد بیع و همچنین دریافت ثمن تحت عنوان عوض فرانچایز آن را منعقد کرده‌اند. (صفری و همکاران، ۱۳۸۹، ۱۳۵) بیع منافع دانستن فرانچایز با اشکالات عمده‌ای رو به رو است. طبق ماده ۴۳۸، بیع از عقود تملیکی است در صورتی که در قرارداد فرانچایز تنها حق استفاده از موضوع فرانچایز به دیگری واگذار می‌شود. این اشکال عمده در شرایطی مطرح می‌گردد که به فرض بپذیریم که مقصود از «عین» در ماده ۳۳۸، عین در برابر منفعت است و اختصاص به عین مادی ندارد. از طرف دیگر، طبق ماده ۲۳۳ قانون مدنی شرط خلاف مقتضای عقد باطل و موجب بطلان عقد است. این در حالی است که در فرانچایز شروط و تعهدات مفصلی درباره چگونگی استفاده از علامت، کیفیت کالا و ارائه خدمات وجود دارد که اگر بخواهیم این قرارداد را نوعی بیع محسوب کنیم، این شرایط خلاف مقتضای تملیکی بودن عقد است و شرط و عقد را باطل می‌کند. بنابراین در تکمیل ویژگی عهدی بودن فرانچایز می‌توان به دلایل نافی بیع بودن فرانچایز نیز استناد کرد. همچنین در مقایسه این نوع قرارداد با عقد صلح، قراردادی است که یا در مورد حل و فصل تنازع پیش آمده و یا احتمالی منعقد می‌شود و یا صلح ابتدایی است که در مقام معاملات منعقد می‌گردد. ابتدائاً چنین به ذهن می‌رسد که می‌توانیم قرارداد فرانچایز را نوعی صلح ابتدایی یا صلح در مقام معامله بنامیم ولی این ذهنیت اشتباه است چرا که اولاً عقد صلح عنوانی است که باید به طور صریح یا ضمنی از سوی طرفین

قرارداد انتخاب شود ثانیاً اختیار عنوان صلح خود نشانه آن است که علم اجمالی به آن کافی است در حالی که قرارداد فرانچایز قراردادی تجاری است که در آن تساوی عرفی ارزش اقتصادی عوضین و کسب منفعت حائز اهمیت است (صفری و دیگران، ۱۳۸۹، شماره ۱۱۰) در نتیجه با بررسی عقود مشابه به عقد فرانچایز دانستیم این نوع قرارداد در قالب هیچ یک از عقود معین نمی‌گنجد لذا این قرارداد می‌بایست در نظام حقوقی ایران در قالب ماده ۱۰ قانون مدنی که مبین اصل آزادی قراردادهاست منعقد گردد و می‌بایست آن را نوعی قرارداد خصوصی میان امتیازدهنده و امتیازگیرنده محسوب کنیم و آن را از مقررات خاص عقود معین مجزا بدانیم هرچند که انطباق این قرارداد با ماده ۱۰ قانون مدنی مشکل اصلی ما را که همانا خلاء قانونی می‌باشد حل نمی‌کند و تنها ما را از دنبال مدرک رفتن و اعمال مقررات خاص عقود معین در خصوص این نوع قرارداد بر حذر می‌دارد.

لیسانس

لیسانس در اصل کلمه‌ای فرانسوی است و در معنای عام، معادل فارسی لیسانس را "پروانه" قرار داده‌اند. (دهخدا، ۱۳۷۳، ص ۱۷۵۳) اما لیسانس در معنای تخصصی یعنی در حوزه مالکیت فکری، به عنوان اجازه‌ای است که برای استفاده از حق فکر متعلق به دیگری صادر می‌شود، استعمال می‌گردد. بنابراین لیسانس اجازه‌ای است که برای بهره‌برداری از حقوق انحصاری ناشی از محصولات فکری، توسط مالک آن محصول برای غیرصادر می‌گردد. معامله‌ای است بین طرفین که به موجب آن لیسانس‌دهنده در قبال لیسانس‌گیرنده نسبت به پرداخت مبلغ مقطوع یا حق امتیاز یا انتقال دیگر عوض معقول تعهد می‌کند به خاطر تجاوز به اموال مورد لیسانس غلبه لیسانس‌گیرنده طرح دعوی کند. (برایان، ۲۰۰۵، ۷۹) همانطور که در تعریف آمده است حق لیسانس‌گیرنده نه از نوع مالکیت عین یا منافع بلکه از نوع حق انتفاع است که در بند ۲ ماده ۲۹ قانون مدنی بدان اشاره شده است. (علی زارع و دیگران، ۱۳۹۲، ش ۲۰)

عقد لیسانس خود کالا را در اختیار لیسانس‌گیرنده نمی‌دهد. بلکه دانش فنی ساخت آن یا بهره‌برداری از یک اختراع یا استفاده از یک علامت تجاری را در اختیار لیسانس‌گیرنده قرار می‌دهد. چنانچه قراردادی با عنوان قرارداد لیسانس منعقد شود و خود کالا را در اختیار طرف عقد قرار دهد آن عقد، لیسانس نبوده، بلکه یک عقد بیع منعقد شده است. محصول تولیدی که در کشور لیسانس‌گیرنده تولید می‌شود باید با نظارت نمایندگان طرف لیسانس‌دهنده باشد. پس طرف لیسانس‌گیرنده نمی‌تواند رأساً تغییراتی در محصول تولیدی ایجاد کند. نام تجاری محصول تولید شده در کشور لیسانس‌گیرنده باید نام تجاری طرف لیسانس‌دهنده باشد. پس طرف لیسانس‌گیرنده نمی‌تواند نام تجاری محصول را تغییر دهد یا نام خود را بر روی آن بگذارد. ویژگی دیگر عقد لیسانس این است که دانش فنی و تکنولوژیکی که در اختیار طرف لیسانس‌گیرنده قرار می‌گیرد محرمانه است، یعنی طرف لیسانس‌گیرنده نباید آن را در اختیار شخص

دیگری قرار دهد و چنانچه طرف مذکور این کار را انجام دهد، از باب مسئولیت مدنی ضامن باشد. ویژگی دیگر عقد لیسانس محدودیت زمانی آن می‌باشد. پس اگر طرف لیسانس گیرنده پس از پایان مدت قرارداد همچنان از مورد لیسانس استفاده کند بدون جهت بوده و لیسانس گیرنده می‌تواند جبران خسارت را از دادگاه بخواهد و طرف دیگر را از استفاده از مورد لیسانس ممنوع کند.

انواع قرارداد لیسانس

قراردادهای لیسانس را به انواع مختلفی تقسیم کرده‌اند از جمله؛ لیسانس معوض و مجانی؛ لیسانس تشریفاتی و رضایی؛ لیسانس انحصاری، غیرانحصاری و انفرادی؛ لیسانس متقابل و یک طرفه؛ لیسانس اجباری و ارادی (استاینز ۲۲ و دیگران، ۲۰۰۲، ۹۹) در اینجا، تنها دو نوع تقسیم‌بندی قراردادهای لیسانس که اهمیت بیشتری دارند بررسی می‌شود.

لیسانس ارادی و اجباری:

در برخی کشورها اگر مالک ورقه اختراع، علامت تجاری و یا سایر مالکیت‌های فکری ثبت شده، نه خود اقدام به بهره‌برداری از این اموال نماید و نه به دیگران اجازه چنین کاری را بدهد، مرجع صالح برای ثبت اموال مذکور، این اختیار و قدرت را دارد که در صورت وجود شرایط پیش‌بینی شده در قانون به هر متقاضی واجد شرایط، لیسانس بهره‌برداری اعطا کند، که به آن لیسانس اجباری گفته می‌شود و بدین اعتبار، قرارداد لیسانس را به ارادی و اجباری تقسیم کرده‌اند. لیسانس ارادی همان لیسانس متعارف است. لیسانس اجباری استثنایی بر قوانین مربوط به حق اختراع است. (حبیبی، ۱۳۸۳، ۱۷۳) در حقیقت فلسفه لیسانس اجباری، رعایت اصل آزادی رقابت و عدم انحصار و به طور کلی رعایت نظم عمومی و منافع جامعه باشد؛ چه، شخصی که دانش فنی و اسرار تجاری را نزد مرجع صالح دولتی افشا می‌کند و آن‌ها را به ثبت می‌رساند، در قبال حمایت دولت و اعطای حق انحصاری و منع تجاوز دیگران، متعهد است که یا خود از آنها بهره‌برداری کند یا اجازه این کار را به دیگران بدهد و البته در مقابل، حق امتیازی هم دریافت کند. در انگلستان، به موجب ماده ۴۸ «قانون حق اختراع» ۲۵ مصوب ۱۹۷۷ م، اگر سه سال از تاریخ صدور ورقه اختراع بگذرد و در این مدت هیچ‌گونه بهره‌برداری از آن به عمل نیامده باشد مرجع صالح می‌تواند به هر متقاضی واجد شرایط اجازه استفاده از آن را بدهد، البته مشروط به اینکه آن اختراع یا محصولات ناشی از آن از لحاظ اقتصادی و تجاری قابلیت کافی داشته باشند و عدم بهره‌برداری از آن اختراع و محصولات ناشی از آن به تجارت و بازرگانی در انگلیس لطمه بزند یا مانع آن گردد. (مارت، ۱۹۹۲، ۱۱۲) لیسانس اجباری نمی‌تواند انحصاری باشد؛ یعنی امکان این امر وجود دارد که به متقاضیان دیگری نیز اجازه استفاده داده شود و لیسانس گیرنده تنها با اجازه مرجع اعطاکننده می‌تواند لیسانس فرعی بدهد. (استاینز و دیگران، پیشین، ۱۰۴)

لیسانس انحصاری، غیرانحصاری و انفرادی:

قرارداد ليسانس را می‌توان بر حسب وحدت یا تعدد ليسانس‌گیرنده و قلمرو حقوق وی به ليسانس انحصاری، غیرانحصاری و انفرادی تقسیم کرد. یکی از معمول‌ترین شیوه‌های اجازه استفاده از مالکیت‌های فکری «لیسانس غیرانحصاری» است. ليسانس هنگامی غیرانحصاری است که ليسانس‌دهنده بتواند حقوق واگذار شده به ليسانس‌گیرنده را در قلمرو جغرافیایی موضوع ليسانس به دیگران نیز واگذار نماید. (فن ویک، ۲۰۰۳، ۳) اما ليسانس، هنگامی انحصاری نامیده می‌شود که ليسانس‌گیرنده تنها شخصی باشد که می‌تواند از حقوق واگذار شده در قلمرو مذکور بهره‌گیرد. در برخی موارد ممکن است حقوق واگذار شده در ليسانس انحصاری آنچنان وسیع باشد که نتوان به راحتی ليسانس‌مذکور را از بیع مالکیت‌های فکری تمیز داد. مثلاً؛ برخی تولیدکنندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای راجع به فروش و توزیع آنها ليسانس انحصاری می‌دهند به نحوی که ليسانس‌گیرنده نیز بتواند به نوبه خود ليسانس فرعی بدهد. قرارداد مذکور در این شرایط حتی در مقابل ليسانس‌دهنده نیز انحصاری به شمار می‌آید و او حقوق ناچیزی را در مورد اموال فکری موضوع آن، حفظ می‌کند. (همان، ۴ و ۵) ليسانس انحصاری ممکن است مطلق باشد یا مشروط. ليسانس انحصاری مطلق با فروش اموال فکری موضوع آن، فرق چندانی ندارد اما اغلب در عمل ليسانس‌های انحصاری مشروط به قیود خاصی هستند. این قیود ممکن است در مورد قلمرو جغرافیایی استفاده از اموال فکری یا راجع به نوع استفاده از این اموال باشد و یا ممکن است این اموال مشروط به قراردادهای سابق واگذار گردند؛ یعنی، حق واگذارشوندگان سابق محفوظ بماند و همچنین ممکن است ليسانس‌دهنده حق استفاده را برای خود محفوظ بدارد. (می‌یر، ۲۰۰۴، ۸)

اصطلاح دیگری که در همین ارتباط مطرح می‌شود و معمولاً در کنار ليسانس انحصاری به کار می‌رود "لیسانس انفرادی" است. در واقع ليسانس انحصاری ليسانسی است از جانب مالک یا متقاضی ورقه اختراع به ليسانس‌گیرنده یا نمایندگان او که به قصد ممنوع ساختن دیگران (از جمله ليسانس‌دهنده)، اعطا می‌شود. در ليسانس انحصاری حتی خود ليسانس‌دهنده از بهره‌برداری موضوع ليسانس ممنوع می‌شود. در حالی که، در ليسانس انفرادی این گونه نیست. در هر حال، توصیه می‌شود که در قرارداد ذکر شود که آیا صاحب ليسانس، خود، می‌تواند در قلمرو قرارداد به فعالیت پردازد یا خیر. (انصاری‌پور و دیگران، ۱۳۹۵، ۲۰)

ماهیت قرارداد ليسانس

لیسانس، قراردادی عهدی محسوب می‌شود. برخی نویسندگان، عقد اجاره را دارای وصف عهدی می‌دانند. به نظر ایشان تعریف اجاره در ماده ۴۶۶ ق.م. از آن جهت که از منظر حقوق تعهدات به قرارداد مذکور نگاه نکرده، قابل انتقاد است و تأکید این ماده بر تملیک منفعت گمراه‌کننده است و ذهن را از تعهد به فعل یعنی تسلیم مورد اجاره و تضمین انتفاع دور نگه می‌دارد. به عقیده این نویسنده تعهد اصلی موجد در عقد اجاره، تسلیم مورد اجاره و تضمین انتفاع مستأجر است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۵، ۳۳ - ۳۱) اما عده‌ای

دیگر از نویسندگان بر نظر یاد شده خرده می‌گیرند که تملیکی بودن عقد اجاره از ویژگی‌های فقه امامیه است که در قانون مدنی آمده است. (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ۳۴۸) همچنین از دیدگاه برخی نویسندگان، اجاره اموال غیرمادی قابل تصور است و مالکیت‌های فکری از جمله اموال غیرمادی محسوب می‌شوند. به نظر ایشان مالک ادبی و صنعتی نیز می‌تواند حق خود را به اجاره واگذار کند؛ یعنی با حفظ مالکیت خود آن را برای انتفاع دیگران برای مدت معین و در برابر عوضی در اختیار آنها بگذارد. از دیدگاه این حقوقدانان، اینکه قانون مدنی اجاره اشخاص را به عنوان یکی از انواع این عقد پذیرفته است، نشان می‌دهد که اجاره مالکیت‌های فکری نیز قابل قبول است؛ چرا که انسان را نمی‌توان به اجاره داد و عین مستأجره دانست بلکه موضوع اجاره، کار و خدمت انسان است. در این صورت، فرقی بین فعالیت مادی انسان که به اجاره داده می‌شود با فعالیت فکری او وجود ندارد. در نهایت چنین نتیجه می‌گیرند که «گذر از موانع توصیف انتقال حق اختراع به بیع یا اجاره برای رویه قضایی دشوار است و به همین جهت قانونگذار آن را «انتقال» نامیده است. اما به نظر می‌رسد دشواری این الحاق در اجاره کمتر باشد». (همان، ۳۱۲ و ۳۱۱) به فرض که بپذیریم لیسانس نوعی اجاره است، نتیجه آن می‌شود که علی‌الاصول لیسانس‌گیرنده بتواند بدون رضایت لیسانس‌دهنده، لیسانس فرعی بدهد. در حالی که، معمولاً در قراردادهای لیسانس لیسانس‌گیرنده نمی‌تواند لیسانس فرعی بدهد مگر در قرارداد شرط شده باشد. نتیجه دیگری که از اجاره دانستن لیسانس به دست می‌آید این است که، در حقوق ایران، قرارداد مذکور تنها یک نوع داشته باشد، آن هم انحصاری، و انواع دیگری همچون غیرانحصاری یا انفرادی برای آن نتوان قائل شد؛ چه، موضوع عقد به تملک لیسانس‌گیرنده در می‌آید و لیسانس‌دهنده نمی‌تواند همزمان اجازه استفاده از آن را به اشخاص ثالث بدهد، مگر اینکه مکانیزم تملک مشاعی لیسانس‌دهنده و لیسانس‌گیرنده پیش‌بینی شود که بعید به نظر می‌رسد این امر به هنگام انعقاد قرارداد، در حوزه قصد طرفین قرار داشته باشد. (دشتی، ۱۳۸۳، ۷۳-۷۴) بنا به این ملاحظات نمی‌توان لیسانس را نوعی اجاره دانست در خصوص مقایسه عقد لیسانس با عقد بیع بایستی عنوان داشت موضوع قرارداد لیسانس، مالکیت‌های فکری و به خصوص صنعتی است. پس باید دید که آیا این گونه اموال می‌توانند مبیع واقع شوند؟ در فقه امامیه، نظر مشهور بین فقها این است که مبیع باید از اموال مادی و منفعت، حق یا عمل نمی‌تواند مورد خرید و فروش قرار گیرد. (انصاری، ۱۳۸۲، ۷) (نجفی، ۱۳۶۵، ۲۰۸) در حقوق مدنی ایران هم برخی حقوقدانان نه تنها عین بودن مبیع را لازم نمی‌دانند بلکه معتقدند قانونگذار در قوانین متعددی که پس از تصویب جلد اول قانون مدنی به تصویب رسانده به تعریف بیع در ماده ۳۳۸ ق.م. پایبند نمانده و آن را نسخ ضمنی کرده است. (جعفری لنگرودی، پیشین، ۴۶۲) برخی دیگر از حقوقدانان، معتقد هستند که اموال فکری را می‌توان در ردیف اموال عینی به شمار آورد؛ زیرا، هرچند این اموال از حیث خصوصیات مادی و فیزیکی با اموال عینی متفاوت هستند؛ لیکن در مقام مقایسه نمی‌توان آنها را در ردیف منفعت، حق یا عمل قرار داد. (شهیدی، ۱۳۸۲، ۱۷ - ۱۵) از آنچه گذشت می‌توان به این نتیجه رسید که از دیدگاه مشهور فقهای امامیه نقل و انتقال اموال فکری را نمی‌توان بیع دانست، چرا که

اموال مذکور عین نیستند. حال آنکه، همین دیدگاه در قانون مدنی ایران نیز انعکاس یافته است. در مقایسه بین عقد لیسانس و حق انتفاع، مطابق ماده ۴۰ ق. م. حق انتفاع عبارت از حقی است که به موجب آن شخص می‌تواند از مالی که عین آن ملک دیگری است یا مالک خاصی ندارد استفاده کند. از آنجا که در قرارداد لیسانس، «حق انتفاع» و بهره‌برداری از اموال فکری و مالکیت‌های صنعتی به لیسانس‌گیرنده واگذار می‌شود، لذا طبیعی است که میان قرارداد مذکور و قرارداد موجد حق انتفاع نوعی شباهت وجود داشته باشد. برخی نویسندگان حقوق مدنی ایران، تابعیت قراردادی را که موضوع آن حقوق معنوی مانند حق مؤلف و حق اختراع باشد، از قرارداد موجد حق انتفاع نمی‌پذیرند. از دیدگاه ایشان «حق انتفاع حقی عینی است و موضوع آن باید شیئی مادی باشد. حق انتفاع از دین و حقوق معنوی را باید بر طبق ماده ۱۰ ق. م. بررسی کرد. . .» (کاتوزیان، همان، ۲۸۳) همچنین واگذاری حق انتفاع در اغلب موارد رایگان است و به همین جهت نیز پاره‌ای نویسندگان آن را از عقود بی‌عوض دانسته‌اند، (عدل، ۱۳۷۳، ۶۳) در حالی که قرارداد لیسانس علی‌الاصول یک عقد معوض است البته رایگان نیز می‌تواند باشد. (استائیز، پیشین، ص ۹) در واگذاری حق انتفاع، حق استفاده انحصاری از مال به شخصی غیر از مالک آن تعلق پیدا می‌کند. در حالی که این امر تنها در فرض انحصاری بودن لیسانس می‌تواند مصداق داشته باشد و در لیسانس غیرانحصاری، لیسانس‌دهنده خودش نیز می‌تواند از موضوع قرارداد بهره‌برداری کند یا به اشخاص ثالث چنین اجازه‌ای بدهد. (کورنیش، پیشین، ۱۸۳) برای برقراری حق انتفاع توافق دو طرف عقد کافی نیست؛ مال موضوع حق نیز باید به تصرف و قبض منتفع داده شود و اگر یکی از طرفین در فاصله انعقاد قرارداد تا قبض فوت کند، قرارداد مذکور باطل می‌شود (مستفاد از ماده ۸۰۲ ق. م.). از مجموع مواد مربوط به حق انتفاع و وقف می‌توان دریافت که تنها اموالی می‌توانند موضوع این گونه قراردادها واقع شوند که وجود فیزیکی و مادی داشته باشند، حال آنکه موضوع قرارداد لیسانس اموال فکری است که وجود مادی و فیزیکی ندارند. لذا با توجه به آنچه گفته شد به طور کلی می‌توان گفت که قرارداد لیسانس در حقوق ایران تابع هیچ‌یک از عقود معین نیست، بلکه شرایط و آثار ویژه خود را دارد؛ عقدی است نامعین و تابع ماده ۱۰ ق. م. البته طبیعی است که قواعد عمومی ناظر بر قراردادها، از جمله آنچه در ماده ۱۹۰ ق. م. ایران آمده است، در مورد این قرارداد نیز باید رعایت شود. منتها در مورد سایر مطالب چنانچه قرارداد، در خصوص امری ساکت باشد باید براساس اصول کلی حقوق و عرف و عادت تجاری نسبت به آن اظهار نظر کرد.

خصوصیات مشترک قرارداد فرانچایز و لیسانس

قانون مدنی ایران در مقام تقسیم‌بندی عقود ذکری از عقد تملیکی و عهدی نکرده است مع الوصف اثر تملیکی و عهدی در مواد ۸۲۵ و ۸۲۶ به عمل حقوقی وصیت نسبت داده شده، همچنین در موارد ۳۳۸ در عقد بیع و ۴۶۶ در اجاره اثر تملیکی به این عقود داده شده است (شهیدی، ۱۳۸۰، ۷۹-۸۳)، بر این تقسیم‌بندی آثار و احکام متفاوتی بار می‌گردد، برای مثال در عقود تملیکی مورد معامله باید در حین عقد

وجد داشته باشد و گرنه معامله باطل است برعکس عقود عهدهی بعلاوه عقد تملیکی برای متعهدله حق عینی ایجاد می‌کند که در برابر همه معتبر است و حق تعقیب یکی از لوازم آن است. (صفایی، ۱۳۸۰، ۴۰) قرارداد عهدهی آنهایی هستند که یک طرف در مقابل طرف دیگر یا طرفین در برابر هم تعهدی را می‌پذیرند که مورد قبول متعهدله قرار می‌گیرد و در صورت تخلف از ایفای تعهدات، متعهدله می‌تواند به موجب اختیارات قانونی به اجبار متعهد به انجام تعهد، فسخ عقد و... بپردازد، در مقابل قرارداد قرارداد تملیکی عقود هستند که با وقوع ایجاب و قبول در صورتی که موضوع آن عین معین یا کلی در معین باشد، مالکیت از یک طرف به طرف دیگر منتقل می‌شود حال برای اینکه ببینیم قراردادهای فرانچایز و لیسانس در زمره کدام دسته هستند، بار دیگر آنها را مرور می‌کنیم. به موجب این قرارداد یک طرف امتیاز حق استفاده از برند تجاری خود را به طرف دیگر منتقل می‌کند. در ابتدای امر ممکن است با توجه به اینکه برند تجاری را بر اساس تعریف از مال - آن چیزی که مابهای آن مالی دیگر تعلق می‌گیرد (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ۲۶۵) به عنوان موضوع قرارداد فرانچایز، تملیکی بدانند، اما به نظر، این عقیده چندان صائب نیست، چراکه مقتضای تملیکی بودن قرارداد این است که مالک در مایملک خود حق همه گونه تصرف و انتفاع را به شکل انحصاری ایجاد می‌کند، در حالی که در قرارداد فرانچایز اینگونه نیست و با توجه به ماهیت موضوع قرارداد لیسانس و فرانچایز و اینکه این مالکیت‌ها وجود خارجی و عینی ندارد باید قراردادهای مزبور را عهدهی بدانیم در مورد قرارداد لیسانس دانش فنی با توجه به اینکه دانش فنی در جایی به ثبت نمی‌رسد عهدهی بودن قرارداد روشنتر است ناگفته نماند که انتقال مالکیت حق اختراع یا علامت تجاری را شاید بتوان قرارداد تملیکی شمرد چراکه انتقال گیرنده در اینجا حق تعقیب پیدا می‌کند و می‌تواند بر علیه شخصی که حق اختراع یا علامت تجاری را مورد استفاده قرار داده راسا و بدون توسل به انتقال دهنده اقامه دعوی کند منتها باید توجه داشته باشیم که بحث ما در خصوص اجازه استفاده لیسانس مالکیت صنعتی ست نه انتقال.

همچنین در حقوق ایران تقسیم‌بندی قراردادهای تعاهدی و یک عهدهی سابقه‌ای ندارد اما نویسندگان حقوق مدنی ایران یکی از تقسیم‌بندی‌های عقود را تقسیم‌بندی به عقد معوض و مجانی دانستند. (امامی، ۱۳۷۹، ۱۸۱) حقوقدانان فرانسه عقود را به دو تعهدی و یک تعهدی و به تعبیر دیگر به قرارداد ملزم دو طرف و قراردادهای ملزم یک طرف تقسیم می‌کنند عقود دو تعهدی عقود هستند که تعهدات متقابل بر ذمه طرفین ایجاد می‌کنند و در مقابل عقود یک تعهدی فقط تعهد یا تعهداتی بر ذمه یک طرف به وجود می‌آورند و متعهدله در برابر متعهد چیزی به عهده نمی‌گیرد. (صفایی، پیشین، ۳۲) برخی حقوقدانان ایرانی تقسیم‌بندی عقود را به یک عهدهی و تعهدی در حقوق ایران زاید شمرده اند این تقسیم‌بندی بر مبنای این فکر ایجاد شده که اثر عقد محدود به ایجاد تعهد است و در عقود تملیکی و اذنی نیز تعهد به امری نهفته است به همین جهت به نظر گمراه‌کننده است و باید از آن چشم پوشید بعلاوه در برابر تقسیم عقود به

معوض و مجانی فایده عملی ندارد زیرا در حقوق ما هر عقد معوض دارای تعهدات متقابل است و هر عقدی که در آن دو تعهد وجود داشته باشد معوض است همچنین عقد مجانی نیز با عقد یک تعهدی انطباق دارد مفهوم عقد معوض و مجانی در حقوق ما و فرانسه یکی نیست و به همین دلیل ما از تقسیم عقود به اعتبار تعهدات ناشی از آن بی‌نیاز هستیم. (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ۱۲۳) ایشان در جای دیگری اظهار می‌دارند بدین ترتیب بهتر این است که تقسیم سنتی عقود به معوض و مجانی را جانشین تقسیم‌بندی به یک طرفه و دو طرفه کرد و از تقسیمی که گاه باعث گمراهی می‌شود و فایده عملی ندارد چشم پوشید (همان، ۱۴)

یکی دیگر از حقوقدانان با پذیرش این تقسیم‌بندی آثاری را بر آن مترتب می‌دارد و به عنوان مثال موادی از قانون مدنی از جمله ماده ۳۶۲ و مواد ۳۹۰ و ۳۹۱ در خصوص ضمان درک بعنوان کاربرد این تقسیم‌بندی ذکر کرده است (امیری قایم مقامی، ۱۳۷۸، ۷۰) همچنین گفته شده است که اگرچه غالباً قراردادهای دو تعهدی معوض و قراردادهای یک تعهدی مجانی هستند اما برخی عقود مانند ودیعه و عاریه مجانی و در عین حال تعهدی بشمار می‌روند قبض شرط صحت این عقود نیست و به ایجاب و قبول نیز واقع می‌شوند و دیعه‌گذار و عاریه‌دهنده تعهد می‌کنند که مالی را به طرف دیگر تسلیم نمایند و او نیز تعهد می‌کند که عین آن را به ایشان برگرداند. (صفایی، پیشین، ۳۶) در خصوص یک تعهدی یا دو تعهدی قرارداد لیسانس برخی حقوقدانان معتقدند این قرارداد عمدتاً معوض است و کمتر پیش می‌آید که لیسانس‌دهنده بدون هیچ عوضی حاضر شود مالکیت‌های فکری را در اختیار دیگری قرار دهد اما به هر حال می‌توان قرارداد لیسانس را به معوض و مجانی تقسیم کرد. (استائیز و دیگران، پیشین، ۹۹) در مورد لیسانس‌های معوض که غالباً این‌گونه تنظیم می‌شوند تردیدی نیست که قراردادهای مذکور تعهدی هستند چرا که علاوه بر اینکه لیسانس‌دهنده متعهد است مالکیت‌های فکری موضوع قرارداد را در اختیار لیسانس‌گیرنده قرار دهد لیسانس‌گیرنده نیز در مقابل متعهد به پرداخت حق‌الامتياز است. اما در لیسانس مجانی که به هر حال همانگونه که گفتیم امکان انعقاد آن دست کم از لحاظ تئوری منتفی نیست باید بین لیسانس مالکیت فکری ثبت شده و ثبت نشده قائل به تفکیک شد یعنی در خصوص لیسانس اموال فکری ثبت شده همچون حق اختراع و علامت تجاری از آنجا که عدم بهره‌برداری از این اموال در مهلتی که قانون تعیین کرده است به هر ذینفع حق تقاضای بطلان آن را می‌دهد.

عقودی که بر حسب طبیعت خود هر یک از دو طرف، در برابر مالی که می‌دهد یا دینی که به عهده می‌گیرد، مال یا تعهد دیگری را برای خود تحصیل می‌کند، معوض می‌نامند. "در عقد معوض، علت دادن مال یا تعهد از ناحیه یک طرف، گرفتن مال یا تعهد از ناحیه طرف دیگر است." (امامی، ۱۳۹۰، ۱۵۹) به عبارت دیگر در عقد معوض همیشه دو تعهد متقابل وجود دارد و هر یک از دو طرف، هم طلبکار دیگری و هم مدیون او است. از آنجا که مقنن نسبت به احکام قرارداد فرانچایز مطلبی نیاورده است، باید بر آن بود که

چون هدف از انعقاد این قراردادها در اکثر مواقع کسب مابه ازای مادی می‌باشد، لذا آنها تابع اصل و در نتیجه معوض هستند و مدعی مجانی بودن، باید ادعای خود را اثبات کند. یکی دیگر از حقوقدانان با پذیرش این تقسیم‌بندی آثاری را بر آن مترتب می‌دارد و به عنوان مثال موادی از قانون مدنی از جمله ماده ۳۶۲ و مواد ۳۹۰ و ۳۹۱ در خصوص ضمان درک بعنوان کاربرد این تقسیم‌بندی ذکر کرده است (امیری قایم مقامی، ۱۳۷۸، ۷۰) همچنین گفته شده است که اگرچه غالباً قراردادهای دو تعهدی معوض و قراردادهای یک تعهدی مجانی هستند اما برخی عقود مانند ودیعه و عاریه مجانی و در عین حال تعاهدی بشمار می‌روند قبض شرط صحت این عقود نیست و به ایجاب و قبول نیز واقع می‌شوند و دیعه‌گذار و عاریه‌دهنده تعهد می‌کنند که مالی را به طرف دیگر تسلیم نمایند و او نیز تعهد می‌کند که عین آن را به ایشان برگرداند. (صفایی، پیشین، ۳۶) در خصوص یک تعهدی یا دو تعهدی قرارداد لیسانس باید گفت این قرارداد عمدتاً معوض است و کمتر پیش می‌آید که لیسانس‌دهنده بدون هیچ عوضی حاضر شود مالکیت‌های فکری را در اختیار دیگری قرار دهد اما به هر حال می‌توان قرارداد لیسانس را به معوض و مجانی تقسیم کرد. (استاینز و دیگران، پیشین، ۹۹) در مورد لیسانس‌های معوض که غالباً این‌گونه تنظیم میشوند تردیدی نیست که قراردادهای مذکور تعاهدی هستند چرا که علاوه بر اینکه لیسانس‌دهنده متعهد است مالکیت‌های فکری موضوع قرارداد را در اختیار لیسانس‌گیرنده قرار دهد لیسانس‌گیرنده نیز در مقابل متعهد به پرداخت حق الامتیاز است. اما در لیسانس مجانی که به هر حال همان‌گونه که گفتیم امکان انعقاد آن دست کم از لحاظ تئوری منتفی نیست باید بین لیسانس مالکیت فکری ثبت شده و ثبت نشده قائل به تفکیک شد یعنی در خصوص لیسانس اموال فکری ثبت شده همچون حق اختراع و علامت تجاری از آنجا که عدم بهره‌برداری از این اموال در مهلتی که قانون تعیین کرده است به هر ذینفع حق تقاضای بطلان آن را می‌دهد و یا در برخی کشورها مانند انگلستان هر ذینفعی می‌تواند درخواست لیسانس اجباری کند لذا حتی اگر این قرارداد به صورت مجانی هم باشد باز هم لیسانس‌گیرنده متعهد به بهره‌برداری از موضوع آن است. اما برخی حقوقدانان ویژگی که باید برای این نوع عقود برشمرده‌اند «معوض بودن» آن است. و معتقدند هر چند در یکی از تعاریفی که از عقد لیسانس بیان شد، گفته شده بود که این عقد معمولاً به صورت معوض می‌باشد اما باید گفت این نوع عقود باید همیشه به صورت معوض منعقد شود. زیرا

اولاً: وقتی لیسانس‌دهنده دانش فنی خود را در اختیار لیسانس‌گیرنده قرار می‌دهد، از بخشی از سود خود که می‌توانست با فروش محصولات به دست آورد محروم می‌شود. مخصوصاً زمانی که عقد لیسانس به صورت انحصاری منعقد می‌شود که در این حالت خود مالک (واگذارکننده لیسانس) نیز حق بهره‌برداری از تکنولوژی مورد نظر را از دست می‌دهد.

ثانیاً: همچنین عمل دیگران محترم است و اصل این است که آن اجرت تعلق می‌گیرد. در اینجا نیز وقتی یک طرف دانش فنی یا اختراع یا علامت تجاری را در اختیار طرف دیگر قرار می‌دهد عملی را انجام داده که شایسته اجرت است.

ثالثاً: دلیل دیگر این است که نوعاً این قراردادها به صورت معوض منعقد می‌شود و این غلبه عرفی را باید حمل بر این کنیم که تمام این قراردادها به صورت معوض منعقد می‌شود.

رابعاً: نقض غرض است که از یک طرف بگوییم مونتاژ و ساخت کالا بدون مجوز ممنوع است و از طرف دیگر برای طرفی که دانش فنی را در اختیار دیگری قرار می‌دهد هیچ اجرتی را در نظر نگیریم. زیرا اگر اینگونه استدلال نکنیم نتیجه آن می‌شود که عقود موصوف بیهوده می‌شود، چون اگر قرار بر این باشد که این عقود به صورت غیر معوض منعقد شود طرفی که نیاز به استفاده از مورد لیسانس دارد می‌تواند رأساً و بدون کسب مجوز از طرف صاحب فناوری اقدام به مونتاژ کالا کند، درحالی که مونتاژ کالا بدون مجوز ممنوع است. پس نتیجه اینکه باید گفت اصل این است که قراردادهای لیسانس به صورت معوض منعقد شود. و یکی از مهمترین مقررات در این نوع قراردادها تعهدات مالی فی مابین طرفین است که شامل پرداخت‌های ابتدایی و آغازین است که هزینه ورود نامیده می‌شوند که برای اعطای حق پرداخت می‌گردد و قسم دیگر آن حق‌الامتیاز مداوم می‌باشد که برای سایر خدمات پرداخت می‌گردد و در هر دو عقود ذکر شده نیز یکسان می‌باشد. همچنین در هر دو عقد تعهد مربوط به عدم رقابت و حفظ اسرار وجود دارد که همانگونه که امتیازگیرنده متعهد به دادن اطلاعات و دانش تجربی خود به امتیازگیرنده است، امتیازگیرنده نیز موظف به حفظ این اسرارچه در دوران قرارداد و چه پس از آن می‌باشد.

همچنین در اکثر نظام‌های ثبت علائم، اجازه واگذاری یا استفاده از علامت ثبت شده را به ثبت‌کننده علامت می‌دهند ولی ممکن است از واگذارکننده بخواهند که این واگذاری را ثبت کنند (زاهدی، ۱۳۸۶، ۷) مطابق ماده ۱۹ آیین‌نامه اصلاحی اجرای قانون ثبت علائم تجاری و اختراعات مصوب ۱۳۱۰: "در موردی که صاحب علامت یا قائم مقام قانونی او استفاده از آن را به دیگری اجازه دهد این اجازه در صورتی معتبر خواهد بود که اجازه نامه مربوط به آن در ایران به ثبت رسیده باشد. . . در قانون جدید ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری ۱۳۸۶ نیز مطابق با ماده ۵۰ "هرگونه قرارداد اجازه بهره‌برداری از. . . علامت ثبت شده یا اظهارنامه مربوط به آنها به اداره مالکیت صنعتی تسلیم می‌شود. اداره مالکیت صنعتی، مفاد قرارداد را به صورت محرمانه حفظ ولی اجازه بهره‌برداری را ثبت و آگهی می‌کند. تأثیر این گونه قرارداد نسبت به اشخاص ثالث منوط به مراعات مراتب فوق است." همان گونه که دیده می‌شود چه در قانون قدیم و آیین‌نامه آن و چه در قانون جدید ایران قراردادهای بهره‌برداری از علامت تجاری باید ثبت شود تا مورد حمایت قرار بگیرد. در واقع به نظر می‌رسد که در خصوص قرارداد لیسانس باید بین مالکیت فکری ثبت شده و ثبت نشده قائل به تفصیل شد یعنی در خصوص مورد اول عقد

را تشریفاتی و در خصوص مورد دوم رضایی دانست بر اساس ماده ۵۰ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶ ایران ثبت اینگونه معاملات راجع به ورقه اختراع یا علامت تجاری الزامی است و اینگونه معاملات در صورتی که ثبت نشوند در مقابل اشخاص ثالث معتبر نمی‌باشند در خصوص ضمانت اجرای عدم ثبت لیسانس مالکیت فکری باید بین روابط طرفین و اشخاص ثالث قائل به تفکیک شد به این بیان که قرارداد مذکور در مقابل ثالث باطل اما در روابط طرفین نافذ است اگر به ظاهر برخی مواد قانون ثبت اختراعات بخصوص مواد ۴۸ و ۵۰ نگاه کنیم باید گفت این معاملات نسبت به اشخاص ثالث معتبر نخواهد بود اما مانعی ندارد که در روابط طرفین معتبر و قابل استناد باشد اما بر این نظر می‌توان ایراد گرفت که در حقوق ما اعتبار و صحت یک عقد را نمی‌توان تجزیه کرد و آن را در مقابل طرفین معتبر اما در مقابل ثالث باطل دانست بعبارت دیگر بطلان نسبی در حقوق ما پذیرفته نیست.

تفاوت‌های قرارداد لیسانس و فرانچایز

بنابر آنچه گفته شد فرانچایز قراردادی است که در آن یک طرف که امتیازدهنده نامیده می‌شود، به طرف دیگر که امتیازگیرنده نام دارد، در مقابل یک حق الامتیاز یا اجرت (عوض)، حق استفاده از علامت تجاری را که معمولاً همراه با دیگر حقوق مالکیت فکری مانند اسرار تجاری، دانش تجربی و... می‌باشد، برای فروش یا تولید محصولات یا ارائه خدمات اعطا می‌کند. (بونودیاز، ۲۰۰۶ م.). لذا فرانچایز با هدف بازاریابی منعقد می‌گردد در همین راستا سازمان توسعه صنعتی ملل متحد فرانچایز را شیوه‌ای از توزیع کالا و خدمات توسط لیسانس علامت تجاری توصیف کرده است که لیسانس مذکور را با لیسانس دانش فنی، اسرار تجاری، حق تکثیر، و قراردادهای توزیع درهم می‌آمیزد. پس می‌توان عناصر سازنده یک قرارداد فرانچایز را این گونه خلاصه کرد اجازه استفاده از یک اسم یا علامت تجاری ثبت شده، انتقال دانش فنی از سوی امتیازدهنده به امتیازگیرنده و در نهایت توزیع کالاهای ساخته شده. قرارداد فرانچایز، دارای پنج عنصر سازنده است:

۱- وجود یک قرارداد؛

۲- وجود یک شبکه تجارت؛

۳- وجود یک برند، همچون علامت تجاری، علامت خدماتی، نام تجاری و...؛

۴- اذن استفاده از حقوق مالکیت فکری مرتبط؛ ۵- وجود عوض قراردادی.

از این عناصر مشخص می‌گردد که قرارداد فرانچایز، همواره حاوی حداقل یک لیسانس علائم تجاری (در معنای عام) است. و در واقع قرارداد فرانچایز متضمن لیسانس علامت تجاری است. میان دو قرارداد فرانچایز و لیسانس علامت تجاری شباهت‌های زیادی وجود دارد، مانند مشابهت در نحوه پرداخت حق الزحمه و عوض‌ها، درج شرط عدم رقابت برای پس از دوره‌ی انحلال قرارداد به منظور تضمین حقوق

مالکیت فکری صاحب امتیاز، و نیز انحصاری بودن هر دوی این قراردادها در سطح بین‌المللی. اما با این حال تفاوت‌های بنیادینی میان این دو قرارداد وجود دارد. این تفاوت‌ها شامل موارد ذیل است:

نحوه نظارت و کنترل بر عملیات اجرایی: دامنه نظارت در فرانچایز نسبت به لیسانس بسیار وسیع‌تر بوده و شامل شیوه مدیریت در سیستم فرانچایز نیز می‌شود. در واگذاری حق لیسانس، شرکت واگذارکننده در روش تولید و نوع عملیات اجرایی دخالتی نمی‌کند و فقط به بررسی کالاهای تولیدی و اطمینان از رعایت استانداردهای کیفیت می‌پردازد، اما در فرانچایز، شرکت فرانچایزدهنده کنترل دقیق و کاملی بر عملیات و روش‌های تولیدی دارد. به عنوان مثال، مکان و زمان عملیات، نوع مدیریت و سایر عوامل وابسته به اجرا و تولید محصولات تحت نظر شرکت فرانچایزدهنده قرار دارد. این قرارداد همچنین میتواند دارای جنبه‌های دیگری همچون ارائه انتقال دانش تجربی و ارائه راهنمایی‌های علمی و عملی در ابتدا و در طول اجرای قرارداد نیز باشد. همچنین، استفاده از «شبکه تجارت (سیستم کسب و کار)» که قلب قراردادهای فرانچایز است، ویژگی خاصی است که مختص قراردادهای فرانچایز می‌باشد. (مندلسون، ۲۰۰۴ م.) این قرارداد برای مدت زمان معین منعقد می‌گردد. مهمترین موضوع این قرارداد، مالکیت‌های فکری و به ویژه علامت تجاری است. در قرارداد فرانچایز نظارت امتیازدهنده بر فعالیت‌های امتیازگیرنده و خدمات فنی او بسیار چشمگیرتر است که این اختلاف اثر حقوقی دارد و در مواردی که کالای توزیع شده توسط امتیازگیرنده و یا به طور کلی فعالیت‌های او به شخص ثالث زیانی وارد ممکن است مسیولیت امتیازدهنده نیز مطرح گردد. (یونیدو ۱۹۹۶، ۲۱۰-۹) این در واقع همان چیزی است که قواعد عام مسیولیت مدنی، در مسیولیت ناشی از فعل دیگری خوانده می‌شود.

وجود شهرت و موفقیت تجاری: در قرارداد لیسانس علامت تجاری، توافق صرفاً بر سر صدور مجوز بهره‌برداری از علامت تجاری بدون هیچ‌گونه قید و شرطی است. یعنی در این قرارداد معمولاً به بحث تجاری‌سازی، شهرت و میزان فروش محصول توجهی نمی‌شود و هیچ‌یک از این موارد، جزء توافق طرفین نیست. اما در قرارداد فرانچایز، فرانچایزدهنده قبلاً به نحو موفقیت‌آمیزی سیستم فرانچایز را مورد استفاده قرار داده و تجاری‌سازی شده است؛ و این جزء شروط اولیه انعقاد قرارداد فرانچایز است. بر خلاف قرارداد لیسانس علامت تجاری، در فرانچایز، صاحب امتیاز تلاش می‌کند نه تنها شهرتی که از قبل همراه موضوع قرارداد بوده را حفظ کند بلکه از طریق انعقاد فرانچایز، سبب افزایش شهرت علامت مزبور نیز بشود.

استفاده از علامت تجاری در لیسانس تأکید بر تولید است ولی در فرانچایز بیشتر اهداف بازاریابی یعنی یک مرحله پس از تولید مدنظر می‌باشد و لیسانس علامت تجاری بیشتر در خصوص تجارت‌های جا افتاده و تثبیت شده است در حالی که فرانچایز از امتیاز در بازرگانی نوپا و رو به رشد کاربرد بیشتری دارد همچنین در لیسانس علامت تجاری اغلب انتقال بهبود در تولید از سوی یکی از طرفین به دیگری منوط به توافق

جداگانه‌ای ست اما در فرانچایز از امتیازدهنده انتظار می‌رود که پیشرفت‌های خود را به عنوان جز لاینفک قرارداد و بدون نیاز به به مذاکرات دیگریدر اختیار امتیازگیرنده قرار دهد مهمترین تفاوت بین فرانچایز و واگذاری حق لیسانس در نوع کنترل و نظارتی است که توسط شرکت واگذارکننده اعمال می‌شود.

شخصی و غیرقابل انتقال بودن قرارداد: گروهی معتقدند در قرارداد لیسانس علامت تجاری، شخصیت لیسانس‌گیرنده اهمیت چندانی نداشته و در نتیجه انتقال آن به شخص ثالث از سوی طرف قرارداد با منع لیسانس‌دهنده مواجه نمی‌شود. اما در قرارداد فرانچایز، شخصیت طرف قرارداد به دلیل تأثیری که عملکرد هر یک از فرانچایزگیرندگان می‌تواند در شهرت کل زنجیره‌ی فرانچایز ایفا کند، نقشی بسیار مهم دارد و به همین دلیل، علی‌الاصول، فرانچایزگیرنده بدون کسب موافقت قبلی صاحب امتیاز، حق انتقال قرارداد به ثالث را ندارد.

نتیجه‌گیری:

فرانچایز و لیسانس از جمله قراردادهای رایج در انتقال تجاری دارایی‌های فکری در جامعه امروز به شمار می‌آیند. ویژگی‌های خاص محصولات فکری و عدم اقدام قانون‌گذار در شناسایی این نهاد های حقوقی موجب حدوث ابهاماتی در خصوص ماهیت و اوصاف این قرارداد شده است. بررسی و مطالعه مقایسه‌ای به عمل آمده در این پژوهش نشان می‌دهد خصوصیت ویژه محصولات فکری موجب می‌شود تا قالب‌های سنتی عقود معین پاسخگوی نیاز جامعه در عرصه داد و ستد تجاری این محصولات نباشد و این نوع قراردادها در قالب هیچ یک از عقود معینه در قانون مدنی نمی‌گنجد. از طرف دیگر در خصوص انطباق این قرارداد با مقررات ماده ۱۰ قانون مدنی باید گفت هرچند قانون‌گذار قانون مدنی حین تصویب ماده ۱۰ این قانون در مقام پذیرش اصل حاکمیت اراده در قراردادهای خصوصی نسبت به اموال و دارایی‌های محسوس و مادی بوده و اساساً نسبت به مفاهیمی همچون فرانچایز و دیگر قراردادهای حوزه مالکیت فکری آشنایی نداشته است، اما به منظور رفع بلا تکلیفی در موضع فعلی و با توجه به شرایط و احکام خاص عقود معین ناگزیر به انطباق این نهاد حقوقی با عموم و اطلاق مقررات ماده ۱۰ قانون مدنی هستیم.

در هیچ یک از قوانین ایران، نامی از این نوع قراردادها برده نشده است و تنها در آیین‌نامه قانون ثبت علائم و اختراعات ۱۳۱۰ به موردی اشاره کرده که صاحب علامت تجاری یا قائم مقام قانونی او اجازه استفاده از علامت تجاری را باید ثبت کند و نیز در قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۸۶ از این قراردادها و قرارداد لیسانس علامت تجاری به طور کلی و با عنوان قرارداد اجازه بهره‌برداری از علامت ثبت شده نام برده و ثبت آن را الزامی دانسته است. به جز الزام در ثبت این قراردادها، هیچ نص قانونی در این زمینه وجود ندارد و این یک خلأ قانونی بزرگ در زمینه گسترش این قراردادها در ایران است. امید است که در کشورمان ایران با قانون‌گذاری در این زمینه به همراه

بهبود زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی زمینه برای گسترش این قراردادها فراهم شود. چرا که این قرارداد اثرات مثبت اقتصادی زیادی دارد و در کشورهای از لحاظ اقتصادی پیشرفته به کثرت از آن استفاده می‌گردد. همچنین علی‌رغم اینکه میان دو قرارداد فرانچایز و لیسانس علامت تجاری شباهت‌هایی وجود دارد، مانند مشابهت در نحوه‌ی پرداخت حق‌الزحمه و عوض‌ها، درج شرط عدم رقابت برای پس از دوره‌ی انحلال قرارداد به منظور تضمین حقوق مالکیت فکری صاحب امتیاز، و نیز انحصاری بودن هر دوی این قراردادها در سطح بین‌المللی، اما با این حال تفاوت‌های میان این دو نوع قرارداد وجود دارد از جمله نحوه‌ی نظارت و کنترل بر عملیات اجرایی که با توجه به آنچه گفته شد دامنه نظارت در فرانچایز نسبت به لیسانس بسیار وسیع‌تر بوده و شامل شیوه مدیریت در سیستم فرانچایز نیز می‌شود. در قرارداد لیسانس، توافق صرفاً بر سر صدور مجوز بهره‌برداری از علامت تجاری بدون هیچ‌گونه قید و شرطی است همچنین استفاده از علامت تجاری در لیسانس تاکید بر تولید دارد ولی در فرانچایز بیشتر اهداف بازاریابی یعنی یک مرحله پس از تولید مدنظر می‌باشد لذا لیسانس علامت تجاری بیشتر در خصوص تجارت‌های جا افتاده و تثبیت شده است در حالی که فرانچایز از امتیاز در بازرگانی نوپا و رو به رشد کاربرد بیشتری دارد.

فهرست منابع و مآخذ

- احسنی فروز، محمد، قرارداد انتقال تکنولوژی، ماهیت، شرایط، تشکیل و آثار، انتشارات داد گستر، چاپ اول، ۱۳۹۰
- افشاری پور، غلامرضا، حسین پور، محمدرضا، ماهیت و ویژگی های قرارداد لیسانس و قابلیت انطباق آن با عقود معین در قانون مدنی ایران، فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، شماره ۲۷، بهار ۱۳۹۵
- امامی، سید حسن، حقوق مدنی، جلد اول، تهران، اسلامیه، چاپ بیست و یکم، ۱۳۷۹
- امیری قائم مقامی، عبدالمجید، حقوق تعهدات، جلد دوم، تهران، میزان، چاپ دوم، ۱۳۷۸
- انصاری، شیخ مرتضی، مکاسب، تعزیرات درس آیت الله پائانی، بکوشش جواد فخار طوسی، جلد ۱۰، قم، نشر دارالحکمه، ۱۳۸۲ ه. ش
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، دایره المعارف حقوق مدنی و تجارت، ج ۱، تهران مشعل آزادی، ۱۳۷۵
- حبیب، سعید، نظام اختراع ایران پس از پذیرش، موافقت نامه راجع به جنبه های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت فکری، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۶۶، زمستان ۱۳۸۳
- دشتی، وحید، معرفی قراردادهای انتقال تکنولوژی با تکیه بر قرارداد لیسانس، خبرنامه حقوق و فناوری، شماره ۱۱ خرداد ۱۳۸۳
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، جلد ۱۳، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول از دوره جدید، ۱۳۷۳
- زارع، علی، مختاری، محمدرضا، الگوهای قراردادهای انتقال تکنولوژی، دانشنامه حقوق و سیاست، شماره ۲۰، پاییز و زمستان
- شهیدی، مهدی، تشکیل قراردادها و تعهدات، تهران، مجد، چاپ دوم، ۱۳۸۰
- شهیدی، مهدی، حقوق مدنی شش، تهران، مجد، ۱۳۸۲
- صفری، محسن، مشهدیان، شهاب، بررسی ماهیت قرارداد فرانچایز در حقوق ایران، محسن صفری، فصلنامه حقوق مقالات موضوعی، شماره ۱۱۰، بهار ۱۳۸۹
- صفری، محسن، مشهدیان، شهاب، قرارداد بهره برداری از علامت تجاری (فرانچایز)، انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۸۹
- عدل، مصطفی، حقوق مدنی به کوشش محمدرضا بندرچی، قزوین، بحرالعلوم، ۱۳۷۳
- کاتوزیان، ناصر، اموال و مالکیت، تهران، میزان، ۱۳۸۱
- کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی، عقود معین، جلد اول، انتشارات گنج دانش چاپ ششم، ۱۳۸۶
- کاتوزیان، ناصر، عقود معین، جلد اول، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ دهم، ۱۳۸۶
- کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادهای تعهدات، جلد اول، تهران، انتشار، چاپ سوم، ۱۳۷۴

- محمدی، سام، محسن زاده، احمدعلی، محسن زاده، علی، ماهیت و اوصاف قرارداد فرانچایز در حقوق ایران، فصلنامه حقوق پزشکی، ویژه نامه حقوق مالکیت فکری، ۱۳۹۲.
- محمودی، اصغر، حقوق قراردادهای انتقال تکنولوژی، انتشارات جاودانه، چاپ اول، ۱۳۹۲
- مشهدیان، شهاب، قرارداد استفاده از علامت تجاری، فصلنامه دیدگاه حقوقی، ۱۳۹۰
- نجفی، سیدمحمدحسین، جواهرالکلام فی شرح شرایط الاسلام، جلد ۲۲، تهران، دارالکتاب السلامیه، ۱۳۶۵. ه. ق

___ Brayan, A. Garner, Black's law dictionary, eighth edition, Eighth edition, under "franchise" word.

___ Papaconstantinou, Helen, 2000, commercial agency and distribution agreement, 3rd edition, Oxford

___ Bueno, Diaz, Odavia, 2006, commercial agency franchise and distribution contract, Oxford university press.

___ Wipo, 1994, franchising guide, available at: ftp. wipo. Int / pub / library / ebooks/wipublications/wipo-pub-480.

___ Meier, Lawrence. 2004. an introduction to intellectual property licensing for technology companies. U. S. A.

___ Cornish, William, 1989, Intellectual property, patent, copy right trademarks and allied rights, 2nd ed, London, Sweet and Maxwell.

___ Fewick and West's intellectual property group, 2003, patent licensing for high technology companies, U. S. A. Fenwick publication.

___ Staines, Alejandro and others, 2002, licensing intellectual property in Mexico, The comparative law year book of International business, vol. 24, Salzburg. (Austria)